

تعادل، پیش‌نیاز تکامل



هانیه ملکی

برخوردار باشند، با نوجوان (آشوبناک) به طریق منطقی و کارگشا برخورد می‌کنند. در این صورت، آشوب برخاسته از فطرت، به آرامش زیبا و امیدبخشی تبدیل می‌شود. به تعبیر دیگر، هویت نوجوان استقرار پیدا می‌کند. در حالی که اگر مربیان و والدین آگاهی لازم را نداشته باشند، با آگاه باشند لیکن به دلایل متفاوت قادر به اعمال آگاهی‌ها نباشند، هویت او شکل نمی‌گیرد و نوجوان خود را سرگردان و بی‌هویت احساس می‌کند.

از یک جهت هویت همان «تعادل شخصیت» است؛ تعادل در توجه به درون و بیرون، تعادل در فردیت و جمع‌گرایی، تعادل در ایستادن و رفتن، تعادل در «بودن» و «شدن». اصولاً فردی که تعادل دارد، نوعی ثبات در موقعیت خود احساس می‌کند. او در برابر حوادث خود را نمی‌بازد. خود را نباختن و با مسائل زندگی خردمندانه و هوشیارانه مواجه‌شدن از علائم مهم تعادل است. تعادل محصول هویت‌یابی، و هویت‌یابی نیز محصول تربیت صحیح است.

انسان تنها مخلوق خداوند است که پس از تولد باید ساخته شود. این ساخته‌شدن نوعاً با فراز و نشیب‌هایی روبه‌روست و گاهی نیز با چالش‌های جدی «شدن» مواجه می‌شود. کنجکاوی یک کودک و پرسش‌های پی‌درپی او از بزرگسالان اطراف خود، نخستین نشانه‌های این تکاپوی فطری است. تکاپویی که اگر به طرز صحیح مورد توجه قرار گیرد، زمینه‌های دانشمندی در همان دورهٔ طفولیت پایه‌ریزی می‌شود.

همین کودک همراه با بزرگ‌شدن، پرسش‌هایش نیز بزرگ می‌شوند و بزرگ‌ترها را به چالش می‌کشند. پرسش‌های دورهٔ نوجوانی در دختران و پسران به مثابه پرچم‌هایی هستند که در وجودشان به اهتزاز درمی‌آیند و اعلام موجودیت می‌کنند. این اعلام برای آن است که موجودیت خود را به نمایش بگذارند و معلمان و والدین را به پاسخ‌گویی و اعلام مواضع درست و منطقی وادار سازند.

در این میان اگر مربیان و مسئولان از عقلانیت و تدبیر لازم



اصولاً فردی که تعادل دارد، نوعی ثبات در موقعیت خود احساس می‌کند. او در برابر حوادث خود را نمی‌بازد. خود را نباختن و با مسائل زندگی خردمندانه و هوشیارانه مواجه‌شدن از علائم مهم تعادل است. تعادل محصول هویت‌یابی، و هویت‌یابی نیز محصول تربیت صحیح است

مسیر هویت‌یابی با چالش‌هایی مواجه می‌سازد. غلبهٔ عواطف به معنای ضعف عقل نیست، ولی به معنای سخت‌شدن تعقل است. یعنی گاهی یک دختر نوجوان به دلیل غلبهٔ عواطف، در بهره‌مندی از استدلال و عقلانیت دچار ابهامات می‌شود و نمی‌تواند به آسانی و سریع تصمیم بگیرد.

بر این اساس در فرایند هویت‌یابی دختران، مربیان باید توانایی بالایی در عاطفی حرف‌زدن ولی منطقی تصمیم‌گرفتن داشته باشند. نکتهٔ بسیار ظریف اینجاست که اگر دختران از این راه ظریف و دوجبه‌ی عبور کنند، به افرادی متعادل، باهویت و با استواری بیشتر تبدیل می‌شوند.

به علاوهٔ این حقیقت که دختران در هویت‌یابی خود از مادرانشان شدیداً متأثر می‌شوند و با آنان همانندسازی می‌کنند. رفتار متعادل و صحیح مادری عاقل به‌مثابهٔ یک چراغ راهنمای قوی، دختر نوجوان را پیش می‌برد و از مشکلات روحی و روانی به‌صورت سالم عبور می‌دهد. لذا مادران راهنمای هویت‌یابی دختران هستند.

خیلی از توفیقات انسان‌ها را در این فرایند سه مرحله‌ای باید جست‌وجو کرد.



بین دختران و پسران در این فرایند حساس زندگی اشتراکات زیاد و تفاوت‌های ظریفی وجود دارد. اشتراکات به «انسانیت» هر دو جنس مربوط است و تفاوت‌ها به «جنسیت»، یعنی زن بودن و مرد بودن ارتباط پیدا می‌کند. چون در فطرت الهی مردان و زنان یکسان هستند، هویت آنان نیز در مدار مشترک تکوین می‌یابد. ولی چون در برخی ویژگی‌ها و استعدادها متفاوت هستند، در مدار تکوین، چرخش‌هایی دارند. دختران نوعاً در احساسات و عواطف ظریفی دارند که آنان را در